نگاه

تنش‌زدایی محتوم

آمریکا، دشمنی که دیگر نیست؟

صادق زیباکلام

● اصولگرایان تندرو با دقت سرگرم نظاره‌کردن حرکت روحانی هستند، آنان حسب ظاهر مخالفت جدی با تحرک روحانی نشان نداده‌اند. منهای برخی از مطبوعات که آتش سنگین روی دیدار روحانی با اوباما می‌ریزند، مابقی فعلا سکوت کرده‌اند. دست‌کم یکی از دلایل سکوتشان مواضع رهبری است. طرح بحث نرمش قهرمانانه، آزادی زندانیان سیاسی و این جمله آقای روحانی «درمورد مذاکرات هسته‌ای از اختیارات کامل برخوردارم»، جملگی دست‌به‌دست یکدیگر داده‌اند و باعث شده‌اند اصولگرایان سکوت کنند. اما این سکوت به معنای پذیرش تنش‌زدایی با آمریکا از جانب آنان نیست.

در عین حال آنان مطمئن هستند، یا به احتمال خیلی زیاد مطمئن هستند که تلاش‌های آقای روحانی ثمری به بار نخواهد آورد. اصولگرایان تندرو معتقدند آمریکا دشمن ذاتی ایران اسلامی است و به چیزی کمتر از نابودی این نظام رضایت نمی‌دهد. در بهترین حالت، اگر نخواسته باشند جمهوری اسلامی سقوط کند، می‌بایستی (از دید آمریکا) پرچم سفید بردارد و تسلیم محض شود؛ یعنی فقط تحت این شرایط آنان جمهوری اسلامی را تحمل می‌کنند. در غیر این صورت (یعنی اگر ایران خواسته باشد بر سر مواضعش بایستد) آنان به چیزی به‌جز تغییر رژیم در ایران رضایت نمی‌دهند، بنابراین آنان مطمئن هستند که برخلاف همه هیجان‌ها، همه انتظارات، همه پایین‌آمدن‌های بهای دلار، سکه، طلا و سایر علایم و نشانه‌ها هیچ اتفاق جدی نخواهد افتاد. آمریکا همچنان بر سر مواضع خصمانه‌اش علیه ایران خواهد ایستاد و روحانی هم مجبور است با این واقعیت کنار بیاید که حسن نیت و شاخه زیتون‌هایش هیچ فایده‌ای نداشته و آمریکایی همان آمریکایی است که تندروها همواره استدلال کرده‌اند و به آن باور دارند.

بنابراین آنان خیلی نیازی نمی‌بینند که به آب و آتش بزنند و همانند دوران خاتمی قطار تنش‌زدایی با آمریکا را از خط خارج کنند. به بیان ساده‌تر آنان معتقدند این قطار توسط خود آمریکا از خط خارج خواهد شد. از این رو خیلی نیاز به تلاش آنها نیست.

آیا آنان درست ارزیابی می‌کنند و تلاش‌های روحانی و آقای ظریف، وزیر خارجه‌اش راه به جایی نخواهد برد؟ ممکن است اینگونه بشود، ممکن است اتفاقا پیش‌بینی اصولگرایان درست از آب درآید و آقای روحانی سرانجام پس از چندهفته، چندماه یا چندین دور گفت‌وگو با آمریکا کم‌کم احساس کند فایده‌ای ندارد. دست‌کم شماری از اصولگرایان تندرو اینگونه می‌اندیشند بنابراین اصراری ندارند که چوب لای چرخ روحانی قرار دهند، چون معتقدند که خود آمریکایی‌ها بزرگ‌ترین مانع تنش‌زدایی خواهند بود و خیلی نیازی به چوب لای چرخ گذاردن اصولگرایان خودمان نیست.

به عبارت دیگر آنقدرها طول نخواهد کشید که آنها موفق خواهند شد به روحانی، هاشمی‌رفسنجانی، خاتمی و سایرین لبخند زده و با تمسخر بگویند که «حالا خودتان دیدید؟»، «ما که از اول به شما گفته بودیم فایده‌ای ندارد و آمریکا به چیزی کمتر از تسلیم کامل ما یا به چیزی جز تغییر رژیم رضایت نمی‌دهد.»

اما اصولگرایان اشتباه می‌کنند نه از باب اینکه حکماً میان ما و آمریکایی‌ها مصالحه و توافق صورت خواهد گرفت. نه، از این بابت ممکن است بدبینی آنها اتفاقا درست از آب درآید و لزوما توافقی میان ایران و آمریکا در نتیجه تلاش‌های روحانی در حال حاضر به وجود نیاید، حتی در یک آینده نزدیک هم ممکن است توافقی بین ایران و آمریکا به وجود نیاید. اشتباه اصولگرایان از بابت دیگری است؛ اشتباهشان از این بابت است که آنان دشمنی میان ایران و آمریکا را یک اصل بنیادی گرفته‌اند.

اشتباهشان آن است که تنش میان آمریکا و ایران را ابدی و جاودانه فرض گرفته‌اند و ایضا سایر بخش‌های نگاهشان به دشمنی به نام آمریکا. اشتباه‌بودن مبانی نظری و فکری اصولگرایان تندرو پیرامون دشمن جوهری و نهادینه‌شده میان ایران و آمریکا نیاز به بررسی مفصل‌تری دارد که در ورای این یادداشت کوتاه است. اما بگذارید به این مختصر بسنده کنیم که چه روحانی موفق بشود یا نشود، برخلاف باور اصولگرایان تنش‌زدایی میان ایران و آمریکا یک امر محتوم است و اتفاقا جوانه‌های آن را می‌توان روی شاخ و برگ دو جامعه ایران و آمریکا مشاهده کرد. مدت‌هاست دیگر اقشار و لایه‌های تحصیلکرده‌تر جامعه ایران مطلقا به دشمنی میان ایران و آمریکا به‌عنوان یک ارزش نگاه نمی‌کنند. به‌جای نگرانی درمورد اینکه آیا روحانی در تنش‌زدایی با آمریکا موفق می‌شود یا نه، اصولگرایان باید نگران سردشدن «مرگ بر آمریکا» گفتن و کمترشدن روزنه دشمنی با غرب و آمریکا به‌عنوان ارزش در میان نسل‌های جدید ایرانیان باشند. چون گیریم که روحانی هم مثل خاتمی و قبل‌تر از وی، هاشمی‌رفسنجانی موفق نشود، اصولگرایان با نسلی که دیگر باوری به دشمنی با آمریکا ندارد چه می‌خواهند بکنند؟

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

روز ایران در رسانه‌های غربی

فرنگیس بیات

سخنرانی رییس‌جمهوری ایران و انجام آن در یک روز با سخنرانی همتای آمریکایی‌اش، حضور هیات‌های نمایندگی دو کشور در زمان سخنرانی طرف مقابل، برگزاری ضیافت ناهار دبیر کل سازمان‌ملل و... باعث شد تا روز گذشته اکثر رسانه‌های انگلیسی‌زبان و فرانسه‌زبان در قسمت اخبار جهان خود توجه و تمرکز خاصی به این دیدار احتمالی و همزمانی حضور هیات‌های دیپلماتیک ایران و آمریکا در شصت‌وهشتمین مجمع عمومی سالانه سازمان‌ملل داشته باشند. نکته جالب این است که ذوب یخ روابط دو قدرت جهانی و منطقه‌ای باعث شده است تا برخی روزنامه و مجلات دیروز و امروز چندین مطلب به‌طور همزمان منتشر کنند و بخش خاورمیانه را بیش از هر خبری با اخبار و تحلیل‌های مربوط به ایران و آمریکا به‌روزرسانی کنند. در این میان لحن روزنامه‌های فرانسوی در مواردی بدبینانه است، برخلاف لحن خوشبینانه روزنامه‌های انگلیسی‌زبان.

THE INDEPENDENT

رییس‌جمهوری ایران در سازمان‌ملل خواهان پایان‌دادن به وضعیت انزوای این کشوراست. دیدار احتمالی میان روسای‌جمهوری ایران و آمریکا دیداری نمادین و کوتاه خواهد بود. اوباما البته نگران این است که وقوع چنین دیداری از او چهره‌ای بی‌نهایت آسانگیر نشان دهد؛ وضعیتی که سیل انتقادها را از سوی حزب جمهوریخواه و البته اسراییل علیه او به راه خواهد انداخت. روابط ایران و آمریکا بعد از کناررفتن «محمود احمدی‌نژاد» و روی کارآمدن «حسن روحانی» و منصرف‌شدن آمریکا از حمله به سوریه که ایران متحد اصلی منطقه‌ای اوست، رو به گرمی گذاشته است. ایران، حمله به سوریه را تلاشی سازمان‌یافته از سوی اسراییل و آمریکا، رژیم‌های سنی عرب در جهت تضعیف نفوذ منطقه‌ای ایران می‌داند.

Los Angeles Times

روحانی به‌دنبال نشان‌دادن چهره واقعی ایران در سازمان‌ملل و لغو تحریم‌هاست. روحانی آمریکا و متحدانش را ترغیب کرده است تا اختلافات بر سر پرونده هسته‌ای و لغو تحریم‌ها را از طریق گفت‌وگو حل و فصل کنند. خبرگزاری ایسنا به نقل از یک دیپلمات خبر داده که جو مذاکرات صورت‌گرفته با ۱+۵ اساسا قابل مقایسه با دور گفت‌وگوهای قبلی نبوده است. از دیگر نشانه‌های جدی‌بودن ایران در پیشبرد مذاکرات برد-برد، اظهارات هاشمی‌رفسنجانی است که گفته است قطع رابطه ایران و آمریکا همیشگی نخواهد بود.

The New York Times

دست‌دادن با روحانی چیزی بیش از دست‌دادن است. این دیدار اگر صورت بگیرد، باید آن را بزرگ‌ترین اتفاق دیپلماتیک و شاید هم بزرگ‌ترین دیدار ژئوپولیتیکی دانست؛ دیداری که شاید هم به اندازه ملاقات مائو و نیکسون در سال ۱۹۷۲ مهم نباشد، ولی به هر حال هرچه باشد رویداد بزرگی در روابط سیاسی دو کشور در طول سه دهه‌گذشته است. دیپلمات‌ها معتقدند این برخورد احتمالی در ضیافت ناهار دبیر کل سازمان‌ملل اتفاق خواهد افتاد؛ برخوردی که به گفته آقای رودز یکی از معاونان سخنگوی کاخ‌سفید، اگر اتفاق بیفتد زمان و مکان آن کاملا اتفاقی خواهد بود.

Telegraph.co.uk

به موازات شدت‌گرفتن احتمال دیدار و چشم‌اندازهای از سرگیری روابط میان تهران و غرب، نخست‌وزیر اسراییل هشدار می‌دهد لحن مسالمت‌جویانه روحانی نیات خصمانه‌ای را که پیش‌تر احمدی‌نژاد ابراز می‌کرد، پنهان می‌کند. نتانیاهو به غرب هشدار داده است در دام «عسلی» که توسط روحانی پهن شده است، نیفتند. روحانی برنده انتخابات ماه ژوئن در ایران، قول داده است که به انزوای بین‌المللی ایران پایان دهد. پیش از این روحانی، آمریکا و متحدانش را ترغیب کرده بود تا اختلافات بر سر پرونده هسته‌ای با ایران و لغو تحریم‌ها را از طریق مذاکره حل و فصل کنند.

The American Conservative

دیدار با روحانی بزرگ‌ترین آزمون اوباماست. اوباما حساس‌ترین لحظات دوران سیاسی خود را تجربه می‌کند. اما مخاطرات روبه‌روی مذاکرات می‌تواند به اندازه خطرات آغاز یک جنگ یا تحقق یک صلح مهم باشد و نتیجه آن احتمالا مسیر سیاست خاورمیانه آمریکا را برای حداقل یک دهه آتی مشخص خواهد کرد. در این میان اسراییل که سال‌هاست موج روابط آمریکا با خاورمیانه را تنظیم کرده است، از این بیم دارد که اوباما و غرب دوران تنش‌زدایی را با ایران آغاز کند و این به روابط عادی و دوجانبه منتهی خواهد شد. اسراییل جایگاهی همانند تایوان در ۱۹۷۱ در دوره رژیم ناسیونالیست چیانگ کای شک را دارد، اما با قدرت اقتصادی و فرهنگی و روابط سیاسی بیشتر با آمریکا. اگر اوباما اراده و قدرت سیاسی کافی را برای مقاومت در مقابل فشارهای مخالفان داشته باشد و اگر او بتواند با جدیت از روابط عادی با کشوری مسلمان و دموکرات، به لحاظ فنی پیشرفته و بزرگ بهره ببرد بزرگ‌ترین آزمون سیاسی ریاست‌جمهوری او خواهد بود.

WALL STREET JOURNAL

صف‌شکن ایران در سازمان‌ملل سخنرانی خواهد کرد. برنامه‌های احتمالی دیدار بین بالاترین مقام‌های رسمی ایران و آمریکا در روز سه‌شنبه احتمالا یخ روابط تهران با واشنگتن را ذوب خواهد کرد. چنین دیدار احتمالی نتیجه کارزار آشتی با غرب با هدف لغو تحریم‌های آسیب‌زا علیه اقتصاد ایران است. پیش از این کاخ سفید گفته بود که ترتیب‌دادن جلسه‌ای رسمی میان روسای جمهور ایران و آمریکا ممکن است؛ تعهد جدی که دولت اوباما هفته پیش آن را اعلام کرد. تعهدی که می‌تواند فرصت مصافحه دوستانه باشد. آخرین دیدار رسمی میان مقام‌های ایران و آمریکا، دیدار وزیر خارجه آمریکا «کالین پاول» و وزیرخارجه ایران در سال ۲۰۰۱ بوده است.

FP Foreign Policy

فرصت ایران برای مذاکره در پی برگزاری اجلاس سالانه سازمان‌ملل بالا گرفته است. برای اولین بار در طی سه دهه گذشته است که رهبران ایران خود را آماده رسیدن به یک توافق با غرب نشان داده‌اند. گردش واضحی در جهت‌گیری‌های ایران نسبت به غرب دیده می‌شود که باید آن را به آزمون گذاشت. واشنگتن می‌تواند از این فرصت تاریخی برای حل دو چالش اصلی سیاست خارجی خود بهره ببرد. به نظر می‌رسد از سوی ایران و آمریکا دارای منافع همپوشان هستند و این می‌تواند راه را برای توافق‌های احتمالی در سوریه و مساله هسته‌ای هموار کند. هر دو مساله گویای نیاز جدی به پرداختن به دغدغه‌های امنیتی در سطح منطقه است. همه این عوامل دلایل بیشتری برای اوباما برای در پیش‌گرفتن اقدامی گشاده‌دستانه و غیرجاه‌طلبانه برای پایان‌دادن به دهه‌ها خصومت میان این دو کشور است.

Le nouvel Observateur

سوریه و پرونده هسته‌ای ایران دو موضوعی هستند که در راس مسایل دیپلماتیک بین‌المللی و در خط مقدم سخنرانی‌ها در سازمان‌ملل مطرح هستند. این درحالی است که فرانسوا اولاند قرار است با رییس‌جمهوری ایران دیدار داشته باشد. البته در این میان واشنگتن تلویحا گفته است که بیش از آنکه باید جذب فریفتگی ایرانی‌ها شد برای تغییر سیاست خود در مقابل ایران باید منتظر اقدامات عملی آنها بود.

Le Monde

اوباما در مورد ایران گشاده‌دست و در مورد سوریه بسیار با گارد بسته سخنرانی کرد. اوباما تاکید کرد در مورد ایران مسیر دیپلماتیک ارزش آزمودن دارد. او به‌طور خاص از تهران خواست تا اقدامات عملی را در مورد پرونده هسته‌ای‌اش اجرا کند. دیدار احتمالی میان روسای جمهور ایران و آمریکا در حاشیه اجلاس باعث شکل‌گرفتن تحرکات جدی دیپلماتیک از چند روز گذشته شده است که البته احتمال عدم‌وقوع آن هم جدی است چراکه هیچ برنامه رسمی و تنظیم شده‌ای برای آن در نظر گرفته نشده است.

LE FIGARO

روحانی ظاهرا ستاره امسال مجمع عمومی است. با وجودی که بحران سوریه در بالاترین موضوعات دستور کارهای سخنرانی در مجمع است، مساله هسته‌ای ایران دومین موضوع مورد بحث است. در کنار «اورسای» در کاخ الیزه دیپلمات‌ها همچنان مشغول طرح گمانه‌زنی‌های بدبینانه در این باب هستند که موضوع اساسی و جدی در مورد مذاکرات هسته‌ای تغییر پیدا نکرده است. آنها بر این باورند که ایران درصدد انجام معامله‌ای میان کمک‌های ارسالی خود به سوریه و اخذ امتیازهایی است که برای متوقف‌کردن برنامه هسته‌ای‌اش است. این دیپلمات‌ها تاکید دارند که در مورد طرف فرانسوی ما همچنان بر تداوم مذاکرات در قالب «تروئیکا اروپایی» با سه قدرت بزرگ چین، آمریکا و روسیه اصرار داریم.

روحانی: انتظار ما از واشنگتن شنیدن صدای واحد است

رییس‌جمهوری با تاکید بر کارآمد بودن «صلح» در برابر «جنگ» پیشنهاد کرد که طرح «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گیرد. حسن روحانی در بخشی از سخنرانی خود در شصت و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت: ایران به دنبال تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر کشورهاست و در این چارچوب در پی افزایش تنش با ایالات متحده آمریکا نیز نیست. من سخنان امروز پرزیدنت اوباما را با دقت دنبال کردم؛ در صورت عزم سیاسی رهبران آمریکا و خودداری از دنبال کردن منافع گروه‌های فشار جنگ طلب، می‌توان به چارچوبی برای مدیریت اختلافات رسید. در این چارچوب موضع برابر، احترام متقابل و اصول مسلم شناخته شده بین المللی باید مبنا باشد؛ البته در این زمینه انتظار ما از واشنگتن شنیدن صدای واحد است.

متن کامل سخنان دکتر روحانی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوه و السلام علی سیدنا و نبینا محمد و اله الطاهرین و صحبه المنتجبین.

آقای رییس، آقای دبیرکل، عالیجنابان، خانم‌ها و آقایان.

در آغاز مایلم تبریکات صمیمانه خود را به مناسبت انتخاب شایسته جنابعالی به ریاست مجمع عمومی ابراز نمایم و از تلاش‌های جناب آقای بان کی‌مون نیز تقدیر نمایم.

آقای رییس.

جهان ما جهانی پر از بیم و امید است: بیم جنگ و مناسبات خصومت‌آمیز منطقه‌ای و جهانی، بیم رویارویی هویت‌های مرگبار مذهبی، قومی و ملی، بیم نهادینه‌شدن خشونت و افراطی‌گری، بیم فقر و تبعیض خُردکننده، بیم تباهی و نابودی منابع حیاتی، بیم بی‌توجهی به کرامت و حقوق انسان و بیم غفلت از اخلاق.

در برابر همه این بیم‌ها، امیدهای جدیدی نیز وجود دارد: امید اقبال مردم و نخبگان در سراسر جهان به «آری برای صلح و نه برای جنگ»، و امید به ترجیح گفت‌وگو بر ستیز، و اعتدال بر افراط. یک نمونه زنده، گزینش هوشیارانه امید و تدبیر و اعتدال توسط مردم بزرگ ایران در انتخابات اخیر است؛ که با تبلور مردم‌سالاری دینی و انتقال آرام قدرت اجرایی نشان داد که ایران لنگرگاه ثبات در دریای ناآرامی‌های منطقه‌ای است. اعتقاد راسخ حکومت و مردم ما به صلح پایدار، ثبات، آرامش، حل مسالمت‌آمیز مناقشات و تکیه بر آرا عمومی به عنوان پشتوانه قدرت، مقبولیت و مشروعیت، نقشی والا در فراهم‌کردن چنین محیط امنی داشته است.

آقای رییس، خانم‌ها و آقایان.

دوران حساس انتقالی کنونی در روابط بین الملل مشحون از خطرات و البته توام با فرصت‌های کم‌نظیری است. هرگونه محاسبه نادرست از وضعیت خود و دیگران، آسیب‌های تاریخی را در بر دارد تا جایی که خطای یک بازیگر، اثرات منفی بر همگان خواهد داشت. آسیب‌پذیری، پدیده‌ای جهانی و فراگیر شده است. در این گذر حساس در تاریخ مناسبات جهانی، عصر بازی‌های با حاصل جمع صفر پایان یافته است؛ ولی هنوز معدودی از بازیگران روش‌ها و ابزارهای کهنه‌شده و عمیقا ناکارآمد را به کار می‌گیرند تا برتری و سلطه پیشین خود را حفظ کنند. نظامی‌گری و استفاده از ابزارهای نظامی و خشن برای انقیاد دیگران، نمونه ناکارآمدی از تداوم کنش‌های کهنه در شرایط نوین است.

اقدامات زورمدارانه اقتصادی و نظامی برای حفظ و تداوم سلطه و برتری گذشته، با مجموعه‌ای از قالب‌های مفهومی همراه شده که همگی ضدصلح، ضد امنیت، ضدکرامت انسانی و ضدآرمان‌های بشری می‌باشند. از جمله این قالب‌های مفهومی، یکسان‌سازی جوامع و تعمیم ارزش‌های غربی به عنوان ارزش‌های جهانی است. قالب دیگر، حفظ فرهنگ جنگ سرد و تقسیم دو اردوگاهی جهان به «مای برتر» و «دیگران دون‌تر» می‌باشد. قالب دیگر مفهومی، ایجاد ترس و تهدید، از برآمدن بازیگران نوظهور در جامعه جهانی است. در چنین فضایی، خشونت‌های دولتی و غیردولتی، مذهبی و فرقه‌ای و حتی نژادی افزایش یافته و هیچ تضمینی وجود ندارد که دوران آرامش بین قدرت‌های بزرگ نیز در دام گفتمان‌ها، رفتارها و کردارهای خشن گرفتار نیاید. تاثیر فاجعه بار روایت‌های افراطی و خشن را نباید دست‌کم گرفت.

در این میان، خشونت راهبردی که در تلاش برای حذف بازیگران منطقه‌ای از فضای عمل طبیعی آنها، سیاست‌های موسوم به مهار، تغییر نظام‌های سیاسی از بیرون مرزها و تلاشی که برای برهم‌زدن حدود و ثغور سیاسی متبلور می‌شود، بسیار خطرناک و تنش‌آفرین است. در گفتمان متعارف سیاسی بین‌المللی، یک مرکز متمدن با حاشیه‌های غیرمتمدن به تصویر درآمده است. در این تصویر نسبت کانون قدرت جهانی و حاشیه‌ها، نسبتی آمرانه قلمداد شده است. گفتمان مرکزگرایی شمال و حاشیه‌گرایی جنوب سبب استقرار نوعی نظم تک‌گویی و مونولوگ در سطح روابط بین‌المللی شده است. ایجاد مرزهای نادرست هویتی و بیگانه‌ستیزی‌های خشن رایج نتیجه قهرمانی این گفتمان است. گفتمان‌های تبلیغاتی و بی‌اساس دین‌ستیزانه، اسلام‌هراسانه، شیعه‌هراسانه و ایران‌هراسانه به واقع تهدیدی جدی علیه ثبات جهانی و امنیت انسانی است. این گفتمان تبلیغاتی، با طرح و القای تهدیدات فرضی و خیالی شکل خطرناکی به خود گرفته است. یکی از این تهدیدات خیالی، خطر موهوم ایران است. به بهانه این تهدید موهوم، چه اقدامات ناهنجار و چه جنایت‌ها در سه دهه گذشته صورت نگرفته است؟ تسلیح صدام حسین به سلاح‌های شیمیایی و حمایت طالبان تنها نمونه‌ای از این جنایت‌هاست. صریحا و با قاطعیت تمام و با استناد به مدارک و شواهد متقن اعلام می‌دارم که آنهایی که دم از تهدید ایران می‌زنند، یا خود تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی‌اند یا به تهدید دامن می‌زنند. ایران نه فقط تهدید نیست، بلکه در آرمان و عمل، پیوسته منادی صلح عادلانه و امنیت همه‌جانبه بوده است.

آقای رییس؛ خانم‌ها؛ آقایان

درکمتر نقطه‌ای از جهان، خشونت مانند غرب آسیا و شمال آفریقا خانمان‌سوز بوده است. مداخله نظامی در افغانستان، جنگ تحمیلی صدام حسین علیه ایران، اشغال کویت، مداخله نظامی علیه عراق و رفتار خشن سرکوبگرانه علیه مردم فلسطین، ترور شخصیت‌های سیاسی و مردم عادی در ایران و بمب‌گذاری در کشورهای منطقه نظیر عراق، افغانستان و لبنان نمونه‌هایی از خشونت در سه دهه گذشته در این منطقه‌اند. آنچه بر مردم مظلوم فلسطین می‌رود، چیزی جز یک خشونت ساختاری نیست. سرزمین فلسطین در اشغال است. حقوق اولیه فلسطینیان به طور فاجعه‌باری نقض می‌شود و آنها از بازگشت به خانه، محل تولد و دسترسی به سرزمین مادری محرومند. جنایاتی که بر مردم بی‌گناه فلسطین می‌رود، خشونت نهادینه‌ای را به نمایش می‌گذارد که برای توصیف آن، آپارتاید مفهوم و واژه کم‌وزنی به نظر می‌آید. فاجعه انسانی در سوریه نمونه دردناکی از گسترش فاجعه‌آمیز خشونت و افراط در منطقه ماست. از ابتدای بحران و از زمانی که برخی از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی با سرازیرکردن منابع تسلیحاتی و اطلاعاتی و تقویت گروه‌های افراطی، سعی در نظامی‌کردن این بحران داشتند، ما تاکید کردیم که بحران سوریه راه‌حل نظامی ندارد. نمی‌توان اهداف استراتژیک و توسعه‌طلبانه و به‌هم ریختن توازن و تعادل‌های منطقه‌ای را با پنهان‌شدن پشت کلمات بشردوستانه، تحقق بخشید. هدف مشترک جامعه بین‌المللی باید خاتمه سریع به کشتار مردم بی‌گناه باشد. ما ضمن محکوم‌کردن هرگونه استفاده از سلاح‌های شیمیایی، از پذیرش کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی توسط سوریه استقبال می‌کنیم و بر این باوریم که دستیابی گروه‌های افراطی و تروریست به این سلاح‌ها بزرگ‌ترین خطر فراروی منطقه است که باید مدنظر قرار گیرد. همزمان استفاده غیرقانونی و غیرکارآمد از تهدید یا استفاده از زور، تنها به گسترش خشونت و بحران در منطقه دامن خواهد زد. تروریسم و کشتن انسان‌های بی‌گناه، اوج افراط و خشونت است. تروریسم، بلایی خشن، فراگیر و فرامرزی است. اما خشونت‌ها و افراط‌هایی که تحت عنوان مبارزه با تروریسم و از جمله استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین علیه مردم بی‌گناه صورت می‌گیرد نیز محکوم است. در اینجا باید از ترور دانشمندان هسته‌ای ایران توسط جنایتکاران نیز سخن بگویم. آنها به چه جرمی ترور شدند؟ سوالی که از ملل متحد و شورای امنیت باید پرسید این است که آیا تروركنندگان محکوم شدند؟ تحریم‌های غیرعادلانه، به عنوان جلوه دیگری از خشونت، ذاتا صلح و ضدبشری هستند که برخلاف تبلیغات تحریمگران، دولت‌ها و نخبگان سیاسی را هدف قرار نمی‌دهند، بلکه بیش از همه، مردمان عادی را قربانی دعواهای سیاسی خود می‌کنند. میلیون‌ها عراقی را فراموش نکنیم که در اثر تحریم‌هایی که با زَروَرق‌های حقوقی در نهادهای بین‌المللی پیچیده شده بودند، آسیب دیدند؛ جان باختند؛ و هنوز عده قابل توجهی از آنها در سرتاسر زندگی باید زجر بکشند. این تحریم‌ها خشونت‌آمیزند. هوشمند و غیرهوشمند و یک جانبه و چند جانبه ندارند. این تحریم‌ها ناقض حقوق مسلم بشری، از جمله حق صلح، حق توسعه، حق دسترسی به بهداشت، حق آموزش و فراتر از همه حق حیات می‌باشند. نتیجه تحریم‌ها، علیرغم هرگونه لفاظی و بازی با واژه‌ها، همان آتش‌افروزی و جنگ‌طلبی و نابودی انسان‌هاست. این آتش فقط دامن قربانیان تحریم را نمی‌گیرد، بلکه به اقتصاد وزندگی مردم جوامع تحریم‌کننده نیز، لطمه وارد می‌کند.

آقای رییس، خانم‌ها و آقایان

خشونت و افراط امروز نه تنها ابعاد مادی، بلکه ابعاد معنوی زندگی انسان و جامعه امروز را در بر گرفته است. خشونت و افراط جایی برای مدارا و تفاهم که لازمه زندگی انسان و جامعه مدرن است نمی‌گذارد. نابردباری مساله امروز جهان ماست؛ باید بردباری را در پرتو اندیشه‌های دینی، رویکردهای فرهنگی و رهیافت‌های سیاسی تقویت کرد. جامعه انسانی را باید از مرحله بردباری منفی به مرحله تعاون مشترک ارتقا داد. دیگران را نباید فقط تحمل کرد بلکه باید با دیگران کار کرد. مردم جهان از جنگ، خشونت و افراط خسته‌اند و این فرصتی بی‌نظیر است. آنها امید به تغییر وضعیت کنونی دارند. جمهوری اسلامی ایران باور دارد که با ترکیب هوشمندانه‌ای از امید و اعتدال می‌توان همه چالش‌ها را مدیریت کرد. جنگ‌افروزان می‌خواهند امیدها را بخشکانند. در حالی که امید به تغییر مثبت، مفهومی فطری، دینی، فراگیر و جهانی است.

زیربنای امید، باور به اراده عمومی مردم جهان برای مبارزه با خشونت و افراط، تغییرپذیری، مخالفت با ساختارهای تحمیلی، بهادادن به گزینش و عمل مسوولانه انسانی است. امید، بی تردید یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند مهربان به همه انسان‌هاست. اعتدال نیز به معنای حرکت خردمندانه، هوشمندانه، زمان‌مند و مکان‌مند در تلفیق آرمان‌های والا، گزینش راهبردهای اثرگذار و در نظر گرفتن واقعیت‌هاست. مردم ایران در انتخابات اخیر در حرکتی هوشمندانه به گفتمان امید و تدبیر و اعتدال رای دادند. ترکیب امید و تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی به آن معناست که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نسبت به امنیت منطقه و جهان، مسوولانه برخورد می‌کند و آمادگی همکاری چندجانبه و همه‌جانبه با سایر بازیگران مسوول در این عرصه‌ها را دارد. ما از صلح مبتنی بر دموکراسی و صندوق رای در همه جای جهان از جمله در سوریه و بحرین و دیگر کشورهای منطقه دفاع می‌کنیم و معتقدیم راه‌های خشونت‌آمیز برای بحران‌های جهانی وجود ندارد و تنها به کمک خرد انسانی و با تعامل و اعتدال می‌توان بر واقعیت‌های تلخ جامعه بشری غلبه کرد؛ لذا تضمین صلح و دموکراسی، و تامین منافع مشروع همه کشورها در جهان و از جمله در منطقه خاورمیانه، با نظامیگری محقق نمی‌شود. ایران به دنبال راه‌حل مسایل و نه تولید مشکلات است. هیچ پرونده و موضوعی نیست که با امید و اعتدال، با احترام متقابل و با نفی خشونت و افراط قابل‌حل نباشد. اجازه دهید به پرونده هسته‌ای ایران اشاره کنم. پذیرش حق طبیعی، قانونی و مسلم ایران، به فرموده رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، ساده‌ترین راه‌حل این موضوع است. این یک شعار سیاسی نیست. بلکه بر اساس شناخت عمیق وضعیت فناوری در ایران، شرایط بین‌المللی و پایان بازی‌ها با حاصل جمع صفر و ضرورت یافتن اهداف و منافع مشترک برای رسیدن به تفاهم و امنیت مشترک است. به عبارت دیگر، ایران و دیگر کنشگران باید دو هدف مشترک را به عنوان دو قسمت غیرقابل تفکیک راه‌حل سیاسی پرونده هسته‌ای ایران دنبال کنند.

۱- برنامه هسته‌ای ایران و همه کشورهای دیگر می‌باید تنها در جهت اهداف صلح‌آمیز باشد. من اینجا به صراحت اعلام می‌کنم که این هدف، صرف‌نظر از مواضع دیگر بازیگران، هدف جمهوری اسلامی ایران بوده و خواهد بود. سلاح هسته‌ای و کشتار جمعی هیچ جایگاهی در دکترین دفاعی ایران نداشته و با باورهای بنیادین مذهبی و اخلاقی ما در تعارض است. منافع ملی ما ایجاب می‌کند که هرگونه نگرانی منطقی پیرامون برنامه هسته‌ای ایران را مرتفع کنیم.

۲- هدف دوم یعنی پذیرش اعمال حق غنی‌سازی و سایر حقوق هسته‌ای در خاک ایران تنها راه تامین هدف اول است. دانش هسته‌ای در ایران بومی‌شده و فناوری هسته‌ای از جمله غنی‌سازی به مرحله تولید انبوه رسیده است؛ لذا تصور اینکه با مانع‌شدن از برنامه هسته‌ای ایران از طریق اعمال فشارهای غیرقانونی می‌توان صلح‌آمیز بودن چنین برنامه‌ای را تضمین کرد موهوم و به غایت غیرواقع‌بینانه است. لذا جمهوری اسلامی ایران ضمن پافشاری بر اعمال حقوق خود و ضرورت احترام و همکاری بین‌المللی در اعمال این حقوق، آماده گفت‌وگوهای بدون تاخیر برای اعتمادسازی متقابل و رفع دوسویه ابهامات از طریق شفافیت کامل می‌باشد. ایران به دنبال تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر کشورهاست و در این چارچوب در پی افزایش تنش با ایالات متحده آمریکا نیز نیست. من سخنان امروز پرزیدنت اوباما را با دقت دنبال کردم؛ در صورت عزم سیاسی رهبران آمریکا و خودداری از دنبال کردن منافع گروه‌های فشار جنگ‌طلب، می‌توان به چارچوبی برای مدیریت اختلافات رسید. در این چارچوب موضع برابر، احترام متقابل و اصول مسلم شناخته‌شده بین‌المللی باید مبنا باشد؛ البته در این زمینه انتظار ما از واشنگتن شنیدن صدای واحد است.

آقای رییس، خانم‌ها و آقایان

در این سال‌ها، یک صدای مسلط پیاپی شنیده شده است که «گزینه جنگ روی میز است»، اما امروز بگذارید در برابر این سخن ناکارآمد وغیرقانونی بگویم «صلح در دسترس است.» پس به نام جمهوری اسلامی ایران در گام نخست پیشنهاد می‌کنم طرح «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گیرد و همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و نهاد مدنی تلاش‌های جدیدی را برای سوق‌دادن جهان به این سو سامان دهند. باید به جای گزینه ناکارآمد «ائتلاف برای جنگ» در مناطق مختلف جهان به «ائتلاف برای صلح پایدار» در سراسر جهان اندیشید. امروز جمهوری اسلامی ایران شما و همه جامعه جهانی را به برداشتن گامی فراپیش می‌خواند؛ دعوت «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری»؛ ما باید بپذیریم و بتوانیم در اینجا افقی را بگشاییم که در آن به جای جنگ، صلح، به جای خشونت، مدارا، به جای خونریزی، پیشرفت، به جای تبعیض، عدالت، به جای فقر، برخورداری و به جای استبداد، آزادی در سراسر جهان بهتر دیده شود. به گفته فردوسی، شاعر بلند آوازه ایران؛

بکوشید نیکی به کار آورید چو دیدید سرما، بهار آورید.

علیرغم همه مشکلات، من عمیقا به آینده امیدوارم. با همبستگی جهانی علیه خشونت و افراط، تردیدی ندارم که آینده روشن است. اعتدال، آینده جهان را درخشان خواهد کرد. امید من، علاوه بر تجارب شخصی و ملی، از این باور مشترک همه ادیان آسمانی نشات می‌گیرد که جهان را سرانجامی نیکوست و روشن که: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی‌الصالحون».

آقای رییس متشکرم.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● از دکتر روحانی تقاضا داریم نسبت به تعیین تکلیف پرونده‌های مفتوح در بازرسی ویژه رییس‌جمهوری سابق اقدامات لازم را مبذول فرمایند.

● حدود یک‌سال است پیاده‌روی خیابان ۱۷ شهریور تبدیل شده به منطقه آزاد متروکه. لطفا شهرداری سری به این خیابان بزند و وضعیتش را مشخص کند.

● هفته گذشته برای انجام تشریفات مذهبی به مزار شیخ‌صدوق رفته بودم، در آنجا با قبرهای خیلی تجملی مواجه شدم اعم از هنرمندان و نویسندگان و... یک‌مرت